

می خورد.

اگر بنگاه های تولیدی داخل استان کرمانشاه بتوانند در فضای خارج از کشور هم محصولات خود را به فروش برسانند میزان تولید کارخانه و درنتیجه درآمد و سود واحد هم بالا می رود.

عامل دیگری که بر هزینه تولید در استان کرمانشاه اثر مستقیمی دارد هزینه های حمل و نقل است، عمدت تولیداتی که در استان کرمانشاه صورت می گیرد کالاهای وزین هستند که هزینه حمل و نقل برای آنها بالا است.

اگر بتوانیم عمدت تولیدات را به محصولات دانش بنیان ببریم بخش زیادی از هزینه های حمل و نقل کاسته خواهد شد و

این محصولات ارزش افزوده بالاتری هم دارند.

البته خوشبختانه اخیرا شاهد اتصال کرمانشاه به سیستم حمل و نقل ریلی کشور بودیم که می تواند به کاهش قیمت حمل و نقل مواد اولیه و محصولات تولیدی کمک کند و هزینه تمام شده محصولات را پایین بیاورد.

در خصوص راهکارهایی که می تواند به کاهش هزینه تمام شده تولید در کشور کند باید به چند نکته اشاره کرد که

مهمنترین آن افزایش بهره وری نیروی انسانی با تربیت نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده است.

به علاوه باید به سمت شیوه های نوین و کم هزینه بازاریابی و مارکتینگ خصوصا در بعد خارج از کشور پیش برویم و از این طریق به فروش محصولات در خارج از کشور کمک

کنیم.

راه دیگر کاهش هزینه های تولید پایین آمدن سود تسهیلات

بانکی است که باید در دستور کار قرار گیرد.

البته نمی توان نقش خود تولید کنندگان را نیز در کاهش هزینه تولید نادیده گرفت که خود آنها نیز باید پای کار باشند

و البته در کار آن از حمایت های مسئولین بی بهره نمانند.

نباید فراموش کرد که زمانی یک کالا قابلیت رقابت خصوصا با نوع مشابه خارجی را دارد که قیمت تمام شده

پایین و کیفیت مناسب داشته باشد.

پایین آوردن هزینه تمام شده تولید از جمله راه هایی است که

می تواند به فروش بیشتر محصولات ایران در بازارهای خارجی و افزایش میزان صادرات غیرنفتی کشور کمک کند

که نباید از آن غافل شد.

البته تحقق این هدف و کاهش هزینه تمام شده تولید زمان بر و نیازمند همکاری بخش های مختلف است.

دوازده دلیل

برای قیمت بالای تمام شده کالا در ایران

* ابراهیم امیدی / عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه

خرید و یا عدم خرید یک کالای تولید شده در هر بازاری، ارتباط مستقیمی با قیمت نهایی و میزان کیفیت آن محصول



دارد. خریداران کالا در کشور هنگام خرید دو نکته را مدنظر قرار می دهند که عبارت است از قیمت کالا و کیفیت کالا. حال شاید افراد معدودی باشند که اگر یک کالای ایرانی ۵ درصد از کالای خارجی که کیفیت مشابه دارد، گران تر باشد به خاطر عرق ملی، کالای ایرانی را خریداری کنند ولی قابطه مردم به دنبال کالایی با کیفیت بالا و قیمتی ارزان هستند.

کالای چیزی با این که از آن طرف دنیا می آید و هزینه حمل و نقل هم به آن اضافه می شود ولی باز قیمت از کالای ایرانی کمتر است و در این میان حتماً مانع وجود دارد مانند عواملی که باعث شده است قیمت تمام شده کالای ایرانی افزایش یابد که می تواند شامل: کمبود نیروهای فنی و آموزش دیده که باعث شده به شدت نرخ بهره وری در کشور پایین باشد، فرسودگی ماشین آلات که باعث می شود کالای ایرانی با کیفیتی پایین تر و گران تر از سطح جهانی تولید شود و مشکلی که از همه مهم تر است وجوهی است که باید بخش های مختلف به دستگاه های خدمات رسان که عمدتاً دولتی هستند پرداخت می شود که نمونه آن مالیات است و نرخ پایه مالیات در کشور ما از کشورهای توسعه یافته بالاتر است، در بحث تامین اجتماعی هم همین گرفتاری را دارایم و از همه مهم تر بهره هایی است که نظام بانکی دریافت می کند که این نرخ را نه در کشورهای توسعه یافته بلکه در هیچ جای دنیا نمی گیرند. اما چند عامل که به طور مشخص بر روی قیمت تمام شده کالا تاثیر می گذارد به طور خلاصه به شرح زیر می باشد:

۱. کیفیت نامناسب: ضعف در سیستم تولید و مونتاژ و به خصوص استفاده از قطعات غیراستاندارد و بعضًا معیوب و فاقد کیفیت، باعث می شود محصولات تولیدی زودتر از روال معمول نیاز به تعمیر پیدا کنند که این امر باعث افزایش قیمت تمام شده کالا خواهد بود.

۲. کم فروشی و احتکار: ایجاد تقاضای غیر واقعی در بازار، یکی دیگر از دلایل مهم افزایش قیمت محاسبه می شود.

۳. ضعف در شایسته سالاری: عدم توجه کافی به اصل شایسته سالاری در انتساب مدیران و همچنین ضعف نسی تعهد و تخصص در برخی از کارکنان و بهویژه مدیران، عامل دیگری است که مشکلات مدیریتی در این عرصه را تشیدید

کمبود نیروهای فنی و آموزش دیده که باعث شده به شدت نرخ بهره وری در کشور پایین باشد، فرسودگی ماشین آلات که باعث می شود کالای ایرانی با کیفیتی پایین تر و گران تر از سطح جهانی تولید شود و مشکلی که از همه مهم تر است وجوهی است که باید بخش های مختلف به دستگاه های خدمات رسان که عمدتاً دولتی هستند پرداخت می شود که نمونه آن مالیات است و نرخ پایه مالیات در کشور ما از کشورهای توسعه یافته بالاتر است، در بحث تامین اجتماعی هم همین گرفتاری را دارایم و از همه مهم تر بهره هایی است که نظام بانکی دریافت می کند که این نرخ را نه در کشورهای توسعه یافته بلکه در هیچ جای دنیا نمی گیرند. اما چند عامل که به طور مشخص بر روی قیمت تمام شده کالا تاثیر می گذارد به طور خلاصه به شرح زیر می باشد:



Kermanshah Chamber
Of Commerce, Industries,
Mines & Agriculture

نقش اصلی باز می دارد و بدیهی است، کاهش حضور مدیران در مجموعه‌ای که مسئولیت آن را بر عهده دارند، می‌تواند هزینه‌ساز باشد.

۱۱. ناتوانی در رقابت: ناتوانی در رقابت و استفاده از ابزار، روش‌ها و طرح‌های قدیمی می‌تواند منجر به از دست دادن بازارهای جهانی در جریان رقابت تنگاتنگ بین المللی گردیده و در نتیجه کاهش درآمد و چشم‌پوشی از سایر مزایای برتری‌ساز و سودآور را به همراه داشته باشد که بی‌شک این نکته نیز تبعات خاص خود را در قیمت تمام شده محصولات بر جای می‌گذارد.

۱۲. واسطه‌گری و دلالی: این معضل تقریباً در کلیه بخش‌ها وجود دارد، اما به نظر می‌رسد، به طور ویژه در بخش تأمین مواد اولیه، عرضه قطعات و توزیع محصولات، اثر منفی گسترده‌تری را به همراه داشته است.



تولیدگران، مانعی برای صادرات

* پرهام بنی عامریان / مدیر عامل شرکت ریخته‌گری دقیق صنعت گستر

در باب مشکلات و هزینه‌های تولید و زمینه‌های آن در ایران، بسیاری نوشتند اند و اطمینان دارم که اساتید و همکاران، حتی در همین شماره نیز بسیار در این مورد خواهند نوشت، از سود بانکی و از هزینه‌های سروسام آور حمل و نقل گرفته تا در درسرهای مالیاتی و گمرکی که ذکر یک به یک این موضوعات، تکرار مکررات خواهد بود.

معلوم تولیدگران، عدم توانایی در صادرات محصول است. گذاهای این تلقی برای نگارنده به وجود آمده است که دولتمردان ابدا تصویر درستی از صادرات در ذهن ندارند و همینطور مدام به دنبال رسیدن به اعداد بزرگتر برای مثبت کردن تراز تجاری کشور هستند، فارغ از اینکه این اعداد متنج شده از صادرات، چه گروه‌های کالایی شامل می‌شوند؛ و در کشور ما، که بهره وری پایین نیروی کار و هزینه‌های بالای تولید، صدای تمام اقتصاددانان را در آورده است، چطور می‌توان تراز تجاری غیرنفتی خود را، چه بسا برای زمانی اندک مثبت کرد؟ ساده است: ما منابع مان را

و زمینه را برای سوء استفاده و نیز عدم استفاده بهینه از منابع فراهم نموده است.

۴. استخدام بی‌ضابطه: هم‌اکنون استخدام غیر ضروری، غیر منطقی و به عبارت دیگر جذب رابطه‌ای نیرو در برخی از شرکت‌ها به یک آفت جدی در مسیر رشد کمی و کیفی صنعت تبدیل شده است.

۵. هزینه‌های نامتعارف جانبی: هزینه‌های جانبی ناشی از ریخت و پاش‌های غیر منطقی از جمله؛ پرداخت‌های کلان و بی‌ضابطه که تحت عناوین مختلف به مدیران صورت می‌گیرد، هزینه سفرهای مکرر و غیر کاربردی خارجی که معمولاً به بهانه انتقال تکنولوژی و امثال آن انجام می‌شود.

۶. آنالیز و برآورد قیمت غیر واقعی: غفلت دستگاه‌های ذیربیط از ضرورت ایجاد مراکز حرفه‌ای و مطمئن در زمینه برآورد و تهیه و ارائه آنالیز قیمت درست، منطقی و تخصصی، موضوع دیگری است که باعث سهوالت پذیرش آنالیز قیمت‌های غیر واقعی ارائه شده از سوی تولید کنندگان گردیده و در نهایت به یک عامل اصلی در بالا نشان دادن هزینه تولید تبدیل شده است.

۷. تحریم و تورم جهانی: این دو نیز از عوامل دیگری محسوب می‌شوند که در افزایش قیمت‌ها نقش بسزایی دارند.

۸. ضعف در نظارت و کنترل: ضعف نظارتی را نیز می‌توان ام الامراض و درد ظاهرا بی‌درمان عرصه‌های مختلف دانست، مشکلی که بعد از فرهنگ‌سازی و وجدان کاری، ریشه و پایه و اساس تمام مuplicات در این زمینه به شمار می‌رود و علی رغم اهمیت موضوع، همچنان مورد غفلت قرار دارد، در واقع نظارت درست، اصولی و مستمر بر چرخه تأمین قطعات و مواد اولیه، تولید، توزیع و خدمات پس از فروش و جلوگیری از تخلفاتی مانند؛ رانت خواری، کم کاری و کم فروشی، خرید غیراستاندار و رابطه‌ای یا سرقت احتمالی اموال در این چرخه، می‌تواند نقش قابل توجهی در کاهش هزینه‌ها داشته باشد.

۹. ضعف آموزش: اگر چه برخی از شرکت‌ها، اعتبارات قابل توجهی را صرف این موضوع می‌کنند، اما ملاحظات و شنیده‌های، گویای آن است که یا این موضوع فوق العاده مهم هنوز به اندازه کافی فراگیر نشده و یا در سیستم آموزش نقصی وجود دارد.

۱۰. چند مسئولیتی بودن مدیران: در باره‌ای از موارد باید علت بروز این مشکل یعنی بالا بودن قیمت تمام شده در ایران را ناشی از تعدد مشاغل و مسئولیت برخی مدیران دانست، مسئولیت‌ها و مشاغلی که گاهی ارتباط چندانی هم با حوزه مسئولیت و حتی صنعت نداشته و فقط آنها را از ایفاء

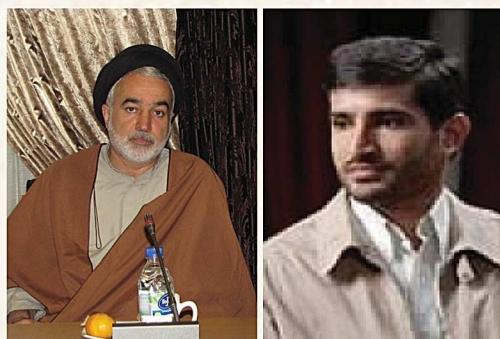


اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی کرمانشاه
شماره ۰۲/ سال یازدهم، ۱۳۹۷

بانکها، جهت نگهداری پول خود، بالاجبار باید مبلغی پیردازند اما در ایران می‌توان به سودهای ۲۳ درصد دست پیدا کرد. لزوماً هر خرید و فروشی دلالی و غیر مولد ارزیابی نمی‌شود. اما هنگامی که فعال اقتصادی در فضای سود وام ۴۰ درصدی قرار دارد، لاجرم باید حداقل سودی ۳۴ درصدی کسب کند تا فعالیت پراسترس و مخاطره آمیزش منطقی به نظر برسد. نکته حیاتی دیگر که باید به آن اشاره کرد زمان گرددش پول در ایران است که مدام در حال افزایش است و در حال حاضر در صنایع بسیاری پول بین ۱ تا ۲ بار در سال گردش می‌کند و این در حالیست که این نرخ در کشورهای دیگر حداقل ۶ بار در سال است. این امر موجب شده است تا تولید کننده ایرانی نیاز به سود حداقل ۳۰-۴۰ درصدی داشته باشد تا دوام بیاورد و تولید کننده خارجی بتواند با سود ۱۵ درصدی، کاملاً راضی باشد.

کشور ما ایران، به همراه ۳۰ اقتصاد دیگر، در مرحله کارآرایی محوری (Efficiency driven) که به معنای عبور از مرحله اول توسعه - اقتصاد وابسته به عوامل طبیعی است - قرار دارد. و ما هنوز راه زیادی در جهت رسیدن به اقتصاد خلاق در پیش داریم. در گزارش رقابت پذیری جهانی منتشر شده توسط مجمع جهانی اقتصاد، ایران در جایگاه ۷۶ ام قرار دارد. همانطور که قابل پیش بینی است در بخش حجم بازار و آموزش مقدماتی و درمان، ایران از جایگاه نسبتاً خوبی برخوردار است؛ اما در شاخص هایی از جمله نهادها، کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی و مهارت‌های کسب و کار، وضعیت به مراتب، اسنفناک است.

به عنوان کلام آخر؛ تا مادامی که تولید پایین ترین سود را در بین تمامی فعالیت‌های اقتصادی دارا باشد، و تنها با عشق و خون دل خوردن تولید کنندگان، کاری صورت گیرد و بانک‌ها و بیمه‌ها در میان ۱۰۰ شرکت برتر ایرانی جولان دهند، هیچ گاه تولید ریشه نخواهد زد. به امید روزی که تولید را "عشق" اطلاق نکنیم، بلکه مانند تمام دنیا آن را فعالیت اقتصادی سخت، اما شیرین و پرسود بدانیم.



بالا بودن هزینه تولید؛ پیامدها و راهکارها

* سید محمد باقر نجفی / جمال فتح اللهی
اعضای هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه رازی
کرمانشاه

میفروشیم. مفتخریم که صدها تن سیمان و محصولات پتروشیمی صادر کرده ایم (شما بخوانید انژری رایگان و خوراک ارزان دولتی) و در مقابل آن خودرو وارد کرده ایم. ای کاش می‌توانستیم اندازه بگیریم که ما به ازای صادرات فولاد و سیمان، چقدر به محیط زیستمن آسیب زده ایم؟ آیا صادرات محض به هر قیمتی با ارزش است؟ آیا صادرات محصولی مثل هندوانه با ارزش است؟ آیا نابود کردن تمام منابع آبی خود برای خود کفایی در گندم و بی نیازی از وارداتش با ارزش است؟

در خبری خواندم که در ایران ۶۸۰ واحد تولید مواد غذایی دام و طیور وجود دارد؛ با اندکی تحقیق، متوجه شدم این آمار در کشور هلن، نزدیک به ۵۰ واحد است، درحالیکه تولید مواد گوشتی در هلن، تقریباً دو برابر ایران است. اطمینان کامل دارم که کیفیت و قیمت محصول هلنی، به مراتب بهتر از محصول ایرانی است، اما قیمت نیروی کار این دو کشور قابل مقایسه نیست. مشکل کار کجاست؟ تعداد زیادی واحد کوچک، که مدام در حال دست و پا زدن بین ورشکستگی و حیات هستند.

زنگرههای ارزش افزوده این واحدها ناقص است و هیچ گاه مجال بزرگ شدن و تبدیل شدن به قطب های صنعتی را ندارند. دلیل را قطعاً در جایی دیگر جدا از اعداد و ارقام و در رویه کاری ما ایرانیان و سیاستگذاری‌های این حوزه باید جستجو کرد.

در بخشی دیگر شرکتی مانند ایران خودرو به عنوان یکی از بزرگترین و پیشروترین صنایع کشورمان، در سال مالی ۱۳۹۵، یک هزار و چهارصد میلیارد تومان سود عملیاتیش تماماً توسط هزینه‌های مالی بعلیه می‌شود و توجه کید که هزاران نفر در ایجاد و تولید این سود نقش بازی می‌کنند، حال آنکه در نقطه مقابل یک نفر می‌تواند اختلاس هزاران میلیاردی را راهبری کند و البته که نه مالیات و نه سود بانکی به آن تعلق نخواهد گرفت. آیا در چنین جامعه‌ای، تولید رونق خواهد گرفت؟ برندهای ایرانی بزرگی مثل ارج و آزمایش را که شاید تنها برند آنها، میلاردها تومان ارزش داشته باشد، چه کسی تبدیل به سازمانی ورشکسته کرد؟ آیا مسئولیتی متوجه کسی هست؟ به نظر می‌رسد تا هنگامی که دولت در جایگاه حاکمیتی خود قرار نگیرد، وضعیت بدتر خواهد شد. تمامی راهها - خواسته یا ناخواسته - به گونه‌ای طراحی شده، که مبادا افراد دست به تولید بزنند و نهادهای دولتی و خصوصی، توان رقابت را از بخش خصوصی واقعی گرفته‌اند؛ این امر آنقدر ریشه دار شده است که توان جدا کردن نهادهای وابسته به دولت از امور اقتصادی غیر ممکن به نظر می‌رسد.

از دیگر سو، تا زمانی که مردم راهی به جز انجام فعالیت‌های تولیدی برای حفظ ارزش پول و زندگی نداشته باشد، نمی‌توان انتظار توسعه بهره وری (به عنوان مهمترین نتیجه رقابت پذیری) را داشت.

یکی از مهمترین عوامل دیگر افزایش هزینه‌های تولید، سود بانکی بسیار بالا و نیز سودهای کلان فضاهای واسطه ای بغير تولیدی است. در کشورهایی همچون ژاپن، مشتریان



Kermanshah Chamber
Of Commerce, Industries,
Mines & Agriculture

شناسایی شوند تا بتوان به سوی برنامه‌ریزی برای کاهش آن حرکت نمود.

قیمت تمام شده، تابع دو عامل است، هزینه تولید و بهره‌وری که به طور جداگانه به هر یک از آنها اشاره می‌شود. در باره هزینه تولید دو دیدگاه در علم اقتصاد وجود دارد؛ دیدگاه نئوکلاسیک که معتقد است این هزینه، همان هزینه تبدیل نهادهای مختلف تولید (مانند هزینه‌های مواد خام و اولیه و هزینه‌های نیروی انسانی) به کالاها و خدمات نهائی است. در نتیجه از منظر این مکتب اقتصادی، تنها راه کاهش هزینه‌های تولید، کاهش قیمت نهادهای مختلف تولید (که آن‌ها نیز هر کدام در یک بازار رقابتی به فروش می‌رسند و در شرایط عادی تولید کننده قادر به تغییر قابل توجه قیمت آنها نیست) یا افزایش بهره‌وری تولید است.

دیدگاه دوم در این زمینه، دیدگاه اقتصاد نهادی است. از منظر این مکتب اقتصادی، هزینه تولید، تنها شامل هزینه تبدیل نهادهای به کالاها و خدمات نهائی نیست بلکه هزینه‌های تولید از جمع هزینه‌های مبادله و تبدیل به دست می‌آید. در کشورهای در حال توسعه سهم هزینه‌های مبادله (که عموماً آشکار هم نیست) در افزایش هزینه تولید قابل توجه است که مورد توجه هم قرار نمی‌گیرد.

از نظر نورث (اقتصاددان و برنده برجسته جایزه نوبل)، نهادهایی که هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند، آن‌هایی هستند که طرفین مبادله را قادر می‌سازند ویژگی‌های چندگانه و با ارزش کالا یا خدمت موردنی باشد که هزینه تولید کارگزاران اقتصادی است، تابع دو عامل است؛ قیمت فروش (عموماً به نرخ عمده فروشی) و قیمت تمام شده.

نهادهایی که هزینه‌های تبدیل را کاهش می‌دهند، نیز شامل آن‌هایی هستند که امکان معرفی و به کارگیری فناوری پیشفره را فراهم می‌کنند. نورث نوآوری‌های نهادی که باعث کاهش هزینه‌های مبادله شده‌اند را در چهار گروه تقسیم‌بندی می‌کند.

۱. آن‌هایی که تحرک سرمایه را افزایش می‌دهند مانند انواع خدمات بانکی و نقل و انتقالات پولی بین طرفین مبادله. هرچه این نوع خدمات متنوع‌تر و در دسترس تر باشند هزینه‌های مبادله کمتر می‌شود.

۲. آن‌هایی که هزینه‌های کسب اطلاعات را کاهش می‌دهند مانند انواع روش‌های اطلاع‌رسانی از قیمت‌های بازار و کیفیات کالاها و خدمات.

۳. آن‌هایی که عدم اطمینان را به ریسک تبدیل و ریسک را توزیع می‌کنند مانند تنوع بخشیدن به سبد دارایی و بیمه‌ها یا نهادهایی که امکان سرمایه‌گذاری مشترک تعداد زیادی از افراد را در فعالیت‌های ریسکی فراهم می‌کنند. هرچند دولتها با طراحی قوانین و مقررات نهادهای لازم برای تبدیل ریسک به عدم اطمینان را ایجاد می‌نمایند اما در صورتی که قدرت دولت با پیش‌بینی قوانین و مقررات لازم محدود نشود، می‌تواند خود منشأ ایجاد نااطمینانی گردد.

۴. آن‌هایی که اجرای قراردادها را تضمین می‌کنند. اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی. نهادهای غیررسمی مانند

قیمت تمام شده کالاها و خدمات به عنوان عامل تعیین کننده قدرت رقابت‌پذیری بنگاههای اقتصادی، شامل هزینه‌های تبدیل و مبادله است. در اقتصاد نئوکلاسیک هزینه‌های مبادله صفر فرض می‌شود و تحلیلهای مربوط به قیمت تمام شده بر هزینه‌های تبدیل (هزینه تبدیل نهاده‌ها به محصول) متمرکز است. در حالی که در کشورهای در حال توسعه، در برخی موارد هزینه‌های مبادله ممکن است بسیار سنگین‌تر از هزینه‌های تبدیل باشد.

کیفیت نهادهای موجود در هر کشور تعیین کننده هزینه مبادله است. بررسی‌ها حاکی از آن است که در استان کرمانشاه کیفیت نهادی پایین است و انتظار می‌رود هزینه مبادله بالا باشد. اثر این هزینه بالا را در تولید سرانه و بهره‌وری اندک استان در مقایسه با میانگین کشوری می‌توان مشاهده نمود. به طوری که تولید سرانه استان ۵۰ درصد و بهره‌وری ۳۲ درصد کمتر از میانگین کشور است.

یکی از تعیین کننده‌ترین متغیرهای اقتصادی، هزینه تولید کالاها و خدمات مختلف است. اهمیت هزینه تولید ناشی از نقش تعیین کننده آن در تعیین قیمت فروش است. در واقع هر تولید کننده با دو قیمت مواجه است؛ قیمت فروش (عموماً به نرخ عمده فروشی) و قیمت تمام شده.

فاصله بین این دو قیمت، میزان سود و قدرت رقابت تولید کننده را تعیین می‌کند (البته عوامل دیگری نیز بر قدرت رقابتی تأثیرگذار هستند که در این نوشتار موضوع بحث نیستند). پس کسب سود از تولید که انگیزه اصلی جهانی همه کارگزاران اقتصادی است، تابع دو عامل است؛ قیمت فروش (عموماً به شده و قیمت فروش).

بازارها عموماً به دو دسته عمومی تقسیم می‌شوند بازارهای انحصاری و بازارهای رقابتی. در بازارهای انحصاری، تولید کننده می‌تواند یک طرفه، هر قیمتی را که مایل بود، برای کالا یا خدمت تعیین نماید و محصولش را به همان قیمت به فروش برساند. در سوی مقابل، بازارهای رقابتی قرار دارند. در بازارهای رقابتی، بازار قیمت کالاها و خدمات را تعیین می‌کند و تولید کنندگان و مصرف کنندگان تنها در صورتی می‌توانند کالای خود را به فروش برسانند که محصول خود را به قیمت تعیین شده از سوی بازار به فروش برسانند و گرنه قدرت رقابت و سهم خود از بازار را از دست می‌دهند اما نکته اصلی در اینجاست که بازار فروش بهویژه در سطح بین المللی یک بازار رقابتی است. این ویژگی با ظهور چین در بازار جهانی، بهشدت افزایش یافته و به طور روزافزون در حال افزایش است.

بنابراین برای اغلب تولید کنندگان، قیمت فروش از پیش تعیین شده است و آن‌ها باید بهاجبار از آن پیروی کنند. درنتیجه از دو عامل پیش‌گفته تعیین کننده سود، یک عامل اصلاح در اختیار تولید کننده نیست و عامل کلیدی باقیمانده که قدرت رقابت و میزان سود تولید کننده را تعیین می‌کند، عامل دیگر یعنی، قیمت تمام شده است. از این رو قیمت تمام شده یک متغیر بسیار مهم در تحلیل‌های اقتصادی است. پس برای افزایش قدرت رقابت تولید کنندگان موردنظر ابتدا باید قیمت تمام شده تحلیل شده و اجزا و عوامل مؤثر بر آن

موجود در هر کشور تعیین کننده هزینه مبادله است. بررسی‌ها حاکی از آن است که در استان کرمانشاه کیفیت نهادی پایین است و انتظار می‌رود هزینه بالا باشد. اثر این هزینه بالا را در تولید سرانه و بهره‌وری اندک استان کرمانشاه کمتر از در مقایسه با میانگین کشوری می‌توان مشاهده نمود. به طوری که تولید سرانه استان ۵۰ درصد و بهره‌وری ۳۲ درصد کمتر از میانگین کشور است.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه شماره ۰۲ / سال یازدهم، ۱۳۹۷

ادیبات بهره‌وری و حسابداری رشد بر معنی داری موجودی سرمایه، تکنولوژی، R&D و پس‌انداز در ترخ رشد بهره‌وری متوجه کر است. ادیبات رشد جدید نیز بر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی، سرمایه فیزیکی و پس‌انداز تأکید می‌کند و تغییر در بهره‌وری را نتیجه تغییر در این عوامل می‌داند و از ساختار انگیزشی نهفته در نهادها که میزان ظرفیت سرمایه اجتماعی مؤثر در عملکرد اقتصادی را تعیین می‌کند غافل مانده است. نورث معتقد است که رشد اقتصادی تنها با خلق یک ساختار نهادی و سازمانی که فعالیت‌های بهبود دهنده بهره‌وری را القاء نماید، امکان‌پذیر می‌شود. کیفیت نهادهای موجود در استان کرمانشاه بر اساس نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از فعالین اقتصادی استان در منطقه زاگرس بدترین وضعیت را دارد. این در حالی است که منطقه زاگرس هم در بین مناطق نهاده رتبه ۷ را به خود اختصاص داده است. مسلمان این وضعیت نهادها، هزینه‌های مبادله را در استان به میزان زیادی افزایش می‌دهد و یکی از دلایل پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری و بهره‌وری در استان است. منطقه زاگرس و استان کرمانشاه هم در شاخص کیفیت نهادی در رتبه‌های پایین قرار دارند و هم به لحاظ تولید سرانه و بهره‌وری وضعیت نامناسبی دارند. تولید سرانه واقعی منطقه زاگرس همواره، کمترین مقدار در بین مناطق نهاده کشور بوده است. هر چند کرمانشاه بعد از همدان رتبه دوم در این سنجه را به خود اختصاص داده است اما میزان آن ۵۰ درصد کمتر از میانگین کشوری است. میانگین بهره‌وری نیروی کار (میزان تولید به ازای هر نفر نیروی کار) منطقه زاگرس نیز پس از خراسان کمترین مقدار است. هر چند استان کرمانشاه در منطقه زاگرس به مدد سرمایه‌گذاری‌های دولتی دارای بالاترین بهره‌وری نیروی کار است اما این رقم ۳۲ درصد از میانگین کشوری پایین تر است. به عبارت دیگر، قدرت رقابت پذیری استان ۳۲ درصد کمتر از میانگین کشوری است.

سازوکار کسب و نگهداری شهرت تجاری یک بنگاه که باعث می‌شود بنگاه برای حفظ بازار خود به تعهداتش پاییند باشد. نهادهای رسمی شامل انواع قوانین و مقرراتی که از جانب دولت‌ها برای تضمین اجرای قراردادها تنظیم و به اجرا گذاشته می‌شوند. به عبارت دیگر ترکیبی از ضمانت‌های اجرایی داوطلبانه بین طرفین مبادله و ضمانت‌های اجرایی دولتی برای تضمین اجرای قراردادها لازم است و هیچ کدام به تهایی کافی نیست. بنابراین هزینه مبادله شامل تمام هزینه‌های آشکار و پنهانی است که برای انجام مبادلات باید پرداخت شود و شامل هزینه‌های ثبت شرکت، هزینه‌های انجام امور بانکی مانند نرخ سود و هزینه‌های دیگر مانند هزینه‌های ناشی از فساد اداری می‌شود. نورث در یک پژوهش بزرگ به همراه برخی اقتصاددانان دیگر به محاسبه این نوع هزینه در اقتصاد آمریکا در دوره زمانی ۱۸۷۰ تا ۱۹۷۰ میلادی پرداخت. نتیجه بسیار تکان‌دهنده بود زیرا مشخص شد که بیش از ۴۵ درصد درآمد ملی آمریکا به بخش مبادله اختصاص دارد و طی صد سال مورد بررسی تقریباً دو برابر شده است. وجه دردناک‌تر مسأله در این است که این نوع هزینه تابع نهادها و قوانین اجتماعی است بنابراین در کشورهای در حال توسعه بسیار بیش از آمریکاست. با این وجود با کمال تأسف هنوز هیچ پژوهش بسته‌ای در مورد شناسایی انواع هزینه مبادله در ایران و تبیین راهکارهای کاهش آن صورت نگرفته است و جای خالی چنین پژوهش‌هایی کاملاً مشهود است. بخش دیگر قیمت تمام شده، شامل هزینه‌های تولید و تبدیل است. راهکار عمومی برای کاهش این نوع هزینه‌ها، افزایش سطح بهره‌وری است. در حالی که منابع رشد بهره‌وری به خوبی شناخته شده است اما هنوز عملکرد بهره‌وری اغلب کشورهای توسعه‌نیافرته و در حال توسعه بسیار ضعیف است. به اعتقاد نورث عملکرد بهره‌وری در یک اقتصاد تابعی است از نهادها و نوع فتاوری که در آن جامعه توسعه می‌یابد.

جدول ۱: تولید ناخالص سرانه (بدون نفت) به قیمت ثابت (میلیون ریال)

	کشور استان	همدان	لرستان	کرمانشاه	کردستان	ایلام	بزد	تهران	آذربایجان شرقی	کل کشور	رشد متوسط
۳.۷	۶۴.۷	۶۵.۶	۶۸.۲	۶۵.۷	۶۱.۵	۶۱.۴	۶۳.۰	۵۹.۱	۵۴.۴	۴۹.۹	۴۵.۸
۱.۹	۵۰.۱	۵۱.۳	۵۲.۷	۵۱.۶	۵۲.۱	۵۳.۳	۵۵.۵	۵۳.۲	۴۹.۶	۴۶.۴	۴۱.۱
۳.۹	۱۰۶.۹	۱۱۴.۰	۱۱۷.۸	۱۲۸.۸	۱۲۴.۸	۱۲۲.۳	۱۲۳.۹	۱۱۵.۶	۸۶.۹	۸۱.۷	۷۶.۲
۷.۲	۱۰۱.۵	۱۰۷.۷	۹۵.۵	۹۲.۸	۷۶.۴	۷۴.۴	۷۴.۸	۶۹.۸	۵۹.۱	۵۰.۱	۵۱.۱
۱.۹	۲۸.۷	۴۰.۰	۴۶.۳	۴۶.۸	۴۲.۸	۴۰.۱	۴۰.۵	۴۱.۰	۳۷.۰	۳۴.۵	۳۰.۲
۳.۳	۳۸.۴	۳۷.۵	۴۲.۹	۳۸.۸	۳۸.۰	۳۵.۹	۳۸.۴	۳۵.۷	۳۱.۰	۲۹.۲	۲۷.۲
۳.۴	۴۷.۱	۵۰.۷	۵۳.۷	۵۱.۵	۴۵.۷	۴۳.۰	۴۲.۴	۴۰.۱	۳۷.۷	۳۵.۰	۳۱.۲
۳.۶	۴۰.۶	۴۰.۶	۴۰.۴	۴۰.۴	۳۵.۱	۳۳.۶	۳۶.۱	۳۵.۵	۳۲.۱	۲۹.۵	۲۸.۸
۳.۳	۴۷.۸	۴۷.۲	۵۱.۸	۴۸.۱	۴۶.۴	۴۳.۰	۴۷.۷	۴۴.۶	۴۰.۶	۳۸.۸	۳۳.۴

جدول ۲: بهره‌وری نیروی کار استان‌های زاگرس و منتخب طی دوره ۹۲-۹۴

	کلان مناطق	همدان	لرستان	کرمانشاه	کردستان	ایلام	بزد	تهران	آذربایجان شرقی	کل کشور	نرخ رشد متوسط
۳.۰۹	۲۲۳.۳	۲۴۲.۰	۲۴۹.۸	۲۳۵.۹	۲۱۴.۴	۲۱۶.۴	۲۱۲.۳	۲۰۰.۰	۱۸۲.۹	۱۸۲.۹	۲۰.۹
۲.۵۲	۱۵۵.۸	۱۷۲.۰	۱۷۰.۰	۱۵۷.۳	۱۴۵.۸	۱۴۸.۷	۱۴۷.۸	۱۳۳.۵	۱۲۷.۷	۱۲۷.۷	۱۵.۲
۳.۰۱	۳۷۵.۱	۳۹۶.۷	۴۰.۸.۸	۳۷۶.۵	۳۶۱.۰	۳۶۵.۴	۳۵۲.۴	۳۲۶.۹	۲۹۶.۰	۲۹۶.۰	۲۰.۱
۹.۵۲	۳۶۴.۶	۴۲۹.۱	۳۶۴.۴	۳۴۸.۹	۲۵۰.۲	۲۴۴.۶	۲۳۶.۶	۲۱۴.۱	۱۷۶.۲	۱۷۶.۲	۱۰.۹
۰.۱۹	۱۵۹.۷	۱۶۴.۲	۱۷۴.۴	۱۷۴.۰	۱۵۱.۹	۱۴۸.۴	۱۴۰.۶	۱۵۸.۵	۱۴۸.۸	۱۴۸.۸	۰.۱۹
۲.۹۷	۱۴۱.۷	۱۳۴.۱	۱۴۸.۸	۱۳۷.۶	۱۲۹.۳	۱۱۸.۶	۱۳۳.۰	۱۲۵.۵	۱۱۲.۱	۱۱۲.۱	۲۰.۹
۲.۷۴	۱۷۶.۸	۱۷۱.۷	۲۰.۵.۳	۱۸۷.۹	۱۵۹.۸	۱۴۹.۴	۱۵۸.۱	۱۵۲.۳	۱۲۲.۴	۱۲۲.۴	۱۷.۶
۵.۴۷	۱۷۳.۲	۱۶۴.۴	۱۵۸.۹	۱۵۴.۷	۱۳۰.۷	۱۳۴.۶	۱۴۲.۴	۱۳۵.۴	۱۱۳.۱	۱۱۳.۱	۱۷.۶
۳.۷۶	۱۷۰.۱	۱۶۰.۳	۱۸۱.۸	۱۷۱.۹	۱۵۹.۴	۱۴۴.۸	۱۵۶.۴	۱۴۴.۵	۱۲۶.۶	۱۲۶.۶	۱۷.۶

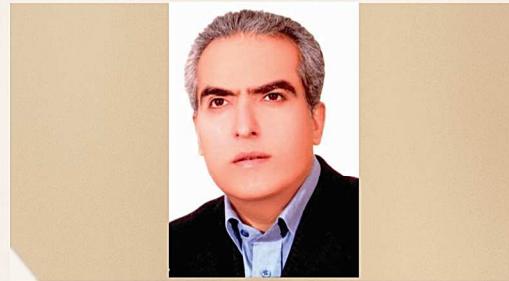
را به تولید کننده وارد می کند. تولید کنندگان ما در شرایط رکود فعلی گاهی چند ماه طول می کشد که یک محصول را به فروش برسانند و پول آن را وصول کنند، اما باید مالیات بر ارزش افزوده را بدون توجه به آنکه هنوز پول محصول را دریافت کردن دیگر نباشد پرداخت نمایند. علاوه بر مالیات هزینه بیمه نیز بر دوش بخشن تولید فشار می آورد و تولید کنندگان باید در این زمینه نیز هزینه زیادی را متحمل شود. هزینه حامل های انرژی، سوخت، برق و ... نیز برای واحدهای تولیدی بسیار بالا است. با اجرای طرح هدفمندی یارانه ها مقرر شد رقمی به عنوان یارانه حامل های انرژی در اختیار بخش صنعت قرار گیرد اما با گذشت چند سال هنوز خبری از این یارانه نیست. این امر باعث می شود هزینه تمام شده سوخت و حامل های انرژی برای بخش صنعت که مصرف زیادی هم دارند بالا برود و صرفه اقتصادی تولید را کم کند.

بخش تولید در ایران علاوه بر موادر ذکر شده با هزینه های جانبی دیگری از جمله هزینه های بهداشتی، هزینه کار گر، هزینه حمل و نقل و ... نیز مواجه است و همه این عوامل باعث می شود تولید در کشور ما گران باشد. از دیگر عوامل بالا بودن هزینه تولید در کشور می توان به دستگاه ها و ماشین آلات مورد نیاز بخش تولید اشاره کرد، عمدۀ این ماشین آلات بیش از یک دهه و حتی تا چند دهه عمر دارند و دیگر متناسب با تکنولوژی روز نیستند و همین امر باعث می شود از بازدهی آنها کاسته شود. در این بخش به نظر می رسد که دولت باید نقش حمایتی خود را به شیوه پرداخت یارانه برای نوسازی ماشین آلات بخش تولید انجام دهد.

عامل دیگری که بر قیمت تمام شده اثر گذار است و قیمت تمام شده را بالا می برد تعداد روزهای تعطیل در کشور ما است که به نوبه خود باعث افزایش هزینه های تولید می شود. قطعاً تعديل روزهای تعطیل می تواند با پایین آمدن هزینه تولید در کشور کمک کند. اما این گران بودن و بالا بودن هزینه تمام شده پیامدهایی را نیز دارد که هم در بعد بازار داخلی هم در بازار خارجی و صادرات خود را نشان می دهد. در بعد داخلی وقتی که یک کالا گران است مصرف کننده سراغ آن نمی رود و حتی مشابه خارجی بی کیفیت که ممکن است از مبادی غیررسمی وارد شده باشد را انتخاب می کند که قیمت کمتری دارد. بالا بودن قیمت تمام شده در بعد بازارهای خارجی و صادرات خود را بیشتر نشان می دهد و وقتی که قیمت تمام شده کالای ایرانی بالا باشد نمی تواند با نوع مشابه خود در بازارهای خارجی رقابت کند. در اکثر کشورهای دیگر هزینه تمام شده تولید به دلیل حمایتها بیش از تولید کنندگان صورت می گیرد این میزان بالا نیست و این امر از توان رقابت کالای ایرانی نسبت به مشابه خارجی میکاهد. برای کاهش هزینه های تولید در دو بخش باید بیشتر کار کنیم تا بتونیم بازارهای داخلی و خارجی را بیشتر در دست داشته باشیم. یکی از اقدامات افزایش بهره وری توسط خود تولید کنندگان است، تولید کنندگان باید با استفاده از شیوه های نوین و تجهیزات مدرن هزینه تمام شده تولید را کاهش دهد. از سوی دیگر دولت هم باید حمایت ویژه ای از تولید کننده داشته باشد که در این شرایط سخت به تولید مشغولند.

کاهش سود تسهیلات بانکی برای تولید کنندگان، معافیت های مالیاتی و بیمه ای، پرداخت یارانه سوخت و حامل های انرژی، مشوق های صادراتی و ... از جمله مواردی است که دولت میتواند برای حمایت از بخش تولید انجام دهد. حمایت از تولید هم به نفع تولید کننده، هم مصرف کننده و هم اقتصاد کشور است، با رونق تولید و صادرات هم چرخه اقتصادی

بنابراین نتیجه بررسی های اجمالی نشان می دهد که در گام اول، میانگین بهرهوری در استان کرمانشاه از میانگین سطح کشور پایین تر است. دوم این که در اثر پایین بودن بهرهوری، قیمت تمام شده تولید کالاها و خدمات در استان به طور نسبی بالاست که این امر خود دو اثر در پی دارد؛ قدرت رقابتی واحدهای اقتصادی در استان کرمانشاه از سطح مطلوبی برخوردار نیست بنابراین بازاریابی و فروش محصولات و تداوم فعالیت های تولیدی برای آنها مشکل تراز میانگین کشوری است همچنین علی رغم فعالیت ها و تلاشهایی که تولید کنندگان انجام می دهند، به دلیل بالا بودن قیمت تمام شده، سود نسبی آنها از تولید کنندگان میانگین کشوری کمتر است و سوم این که بخش قابل توجهی از مشکلات مورد اشاره، ناشی از ضعف نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط در استان است که بر طرف کردن آنها نیازمند فعالیت های پژوهشی در راستای شناسایی و تبیین راه کارهای بر طرف کردن آنهاست.



ماشین آلات قدیمی و فرسوده یکی از دلایل بالابودن هزینه تمام شده تولید است

***علیرضا مصوصی لاری** / مدیر عامل شرکت پلی لن هزینه تمام شده تولید یکی از مهمترین مشکلاتی است که تولید کنندگان کشور و خصوصاً استان کرمانشاه با آن مواجه هستند، تولید کنندگان در کشور مابا علی رغم همه مشکلاتی که پیش روی آنها وجود دارد با معضل مهمی به نام هزینه بالای تمام شده تولید هم دست و پنجه نرم می کنند که پیامدهای فراوانی برای آنها دارد. هزینه تولید بالا عوامل مختلفی است که باید به همه آنها پرداخت و یکی از مهمترین این عوامل نرخ بالای سود تسهیلات بانکی است. در شرایطی که نرخ سود تسهیلات برای تولید کننده حتی گاهی به بیش از ۲۰ درصد هم می رسد تولید کننده داشت که تولید کننده بیش از ۲۰ درصد سود ندارد که بتواند سود تسهیلات بانکی را هم پوشش دهد.

این در حالی است که در بسیاری از کشورهای دیگر سود تسهیلات بانکی از کشورهای دیگر سود داشت و حتی نزدیک به صفر است. عامل مهم دیگری که در قیمت تمام شده نرخ دارد هزینه مواد اولیه است، مواد اولیه خصوصاً اگر از خارج از کشور وارد شود نوسان قیمت فراوانی دارد. مواد اولیه اگر خارجی باشد همزمان با تغییر نرخ ارز نوسان قیمت خواهد داشت و به علاوه هزینه های گمرک، حمل و نقل و ... نیز به آن اضافه می شود و با قیمت بالایی به دست تولید کننده می رسد. این مشکل باشد که تولید کنندگان از این شیوه های میتوانند خصوصاً هزینه حمل و نقل مواد اولیه بالا است.

یکی از عوامل دیگری که هزینه تمام شده تولید را بالا می برد مالیات و خصوصاً مالیات بر ارزش افزوده است که فشار مضاعفی

در بسیاری از کشورهای دیگر سود تسهیلاتی که در اختیار بخش تولید قرار می گیرد بسیار پایین و حتی نزدیک به صفر است



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه شماره ۰۲/ سال یازدهم، ۱۳۹۷

کشور می چرخد و هم با این معضل بیکاری کمتر دست در گربیان خواهیم بود.



کاهش قیمت تمام شده تولید، زمینه ساز افزایش تولیدات داخلی

* دکتر محسن اعظمی / استادیار گروه مدیریت

دانشگاه پیام نور کرمانشاه

در عصر حاضر که تجارت وارد عرصه پیچیده ای شده و رقبا با تکیه بر کوچکترین مزیتی، بازار خود را گسترش داده و سایر رقبا را تحت فشار و تسلط خود قرار می دهند، اهمیت بدست آوردن قابلیتی جذاب برای مشتری به ضرورتی انکار ناپذیر تبدیل شده است. به عبارت بهتر، بایستی با تجزیه و تحلیل بازار به این در ک رسید که داشتن چه مزیتی بنگاه را پیشتر رقابت تسخیر بازار خواهد کرد و سپس به چگونگی رسیدن به آن مزیت پرداخت. آنچه مشخص است مصرف کننده عمدۀ محصولات خام، کشورهای پیشرفته و صاحب داشت و تکنولوژی می باشد که با تبدیل مواد خام به محصولات با ارزش افزوده بالا، از تمامی مزایای آن بالاخص توسعه صادرات و در اختیار گرفتن بازارهای دیگر، بهره برداری می کنند؛ بنابراین، دولت هاسعی می نمایند تا با توسعه صنایع نهایی به ایجاد اشتغال و کسب ارزش افزوده دست یابند. اما زمانی این صنایع رشد و توسعه می یابند که دارای مزیتی ویژه باشند. در ایران اسلامی با توجه به وجود بازاری قریب به ۸۰ میلیون در داخل کشور و بازاری حدوداً ۴۰۰ میلیون نفری در کشورهای همسایه، پتانسیل خوبی برای توسعه صنایع نهایی وجود دارد اما با توجه به اینکه در حال حاضر بازار اصلی و نهایی محصولات ایرانی بازار داخلی و همسایه ایران است؛ مهمترین عامل و مؤلفه انتخاب محصول توسط خریداران، قیمت کالا می باشد بدین معنی که در میان استاندارد، کیفیت، خدمات پس از فروش و سایر مؤلفه های مؤثر در خرید کالا؛

با توجه به اینکه در حال حاضر بازار اصلی محصولات نهایی محصولات ایرانی بازار داخلی و همسایه ایران است؛ مهمترین عامل و مؤلفه انتخاب محصول توسط خریداران، قیمت کالا می باشد بدین معنی که در میان استاندارد، کیفیت، خدمات پس از فروش و سایر مؤلفه های مؤثر در خرید کالا؛

است که از جمله آنها می توان به کاهش سیکل تولید و افزایش حجم تولید کالا و خدمات اشاره کرد. کاهش زمان توقف، تعمیر و خواب ماشین آلات و تجهیزات، بومی سازی و تولید داخلی با جایگزینی مواد اولیه، کاهش ضایعات و دور زیزها، بهبود سیستم و فرایند تولید و کاهش مصرف انرژی و نیز افزایش تولید و در نتیجه سرشنک شدن هزینه های سرانه سریار از جمله فاکتورهایی است که به کاهش قیمت تمام شده می انجامد.

در کشور ما هم اکنون دستگاه های مختلفی در کشور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در فرآیند قیمت تمام شده کالا و خدمات دخیلند که از جمله آنها می توان به وزارت صنعت، معدن و تجارت، اتاق های بازار گانی، وزارت کشور، وزارت جهاد کشاورزی و حتی وزارت خارجه اشاره کرد. این در حالی است که سهم هر کدام از این دستگاه ها در این موضوع متفاوت است.

عادلانه نبودن توزیع زیرساخت ها، نامساعد بودن فضای کسب و کار شرکت های مشاور، توجه ناکافی مدیران دستگاه ها به ارتقای بهره وری و کوچک بودن بنگاه ها از جمله مهم ترین عوامل افزایش قیمت تمام شده کالا در کشور ما محسوب می شود. از سوی دیگر وجود ظرفیت های فراوان خالی در صنایع همگن، عدم محاسبه دقیق و به هنگام قیمت تمام شده و عدم توجه به تکنیک های جدید تولید از دیگر علل افزایش قیمت تمام شده در ایران است.

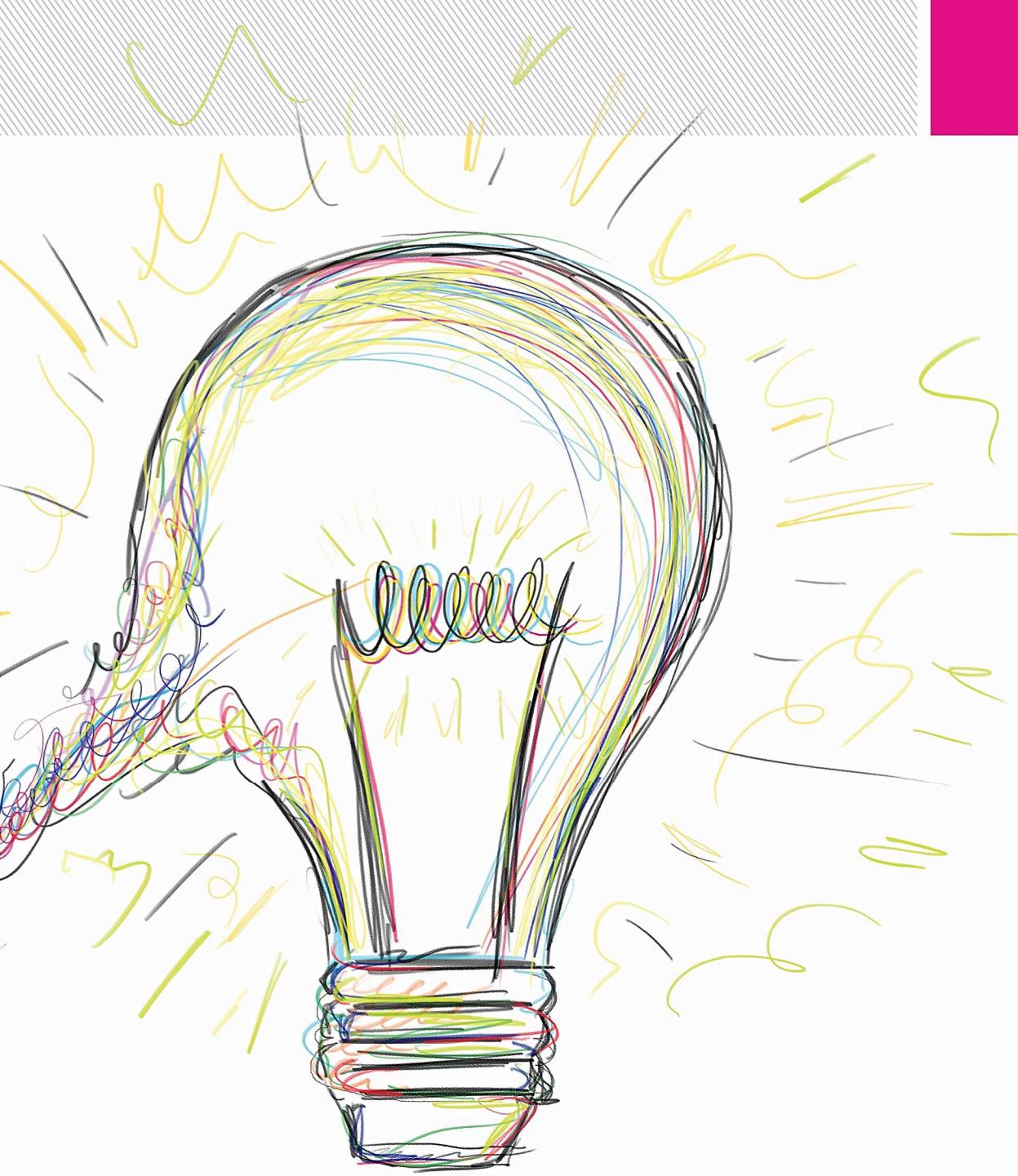
از سوی دیگر قیمت تمام شده بالا محصول موجب می شود تا قدری از قدرت رقابت پذیری بنگاهها در این بازار کاسته شده و در نهایت سهم محصولات ایرانی در بازار مذکور تنزل یافته و پس از مدتی نه تنها سهم بازار خارجی محصولات ایرانی کاهش یافته بلکه بازار داخلی نیز از اجناس بی کیفیت و با قیمت کم خارجی (به ویژه تولیدات چینی) اشباع می شود. این موضوع موجب واستگی کشور و در نتیجه تضعیف صنعت در کشور و افزایش نرخ بیکاری می شود.

کشور ما به دلیل وجود منابع عظیم طبیعی، دارای مزیت "مواد اولیه" مورد نیاز صنایع می باشد اما بعض این مزیت به دلیل بالا رفتن برخی هزینه ها از جمله اکتشاف، استخراج و تولید و انتقال مواد اولیه خود باعث بالا رفتن قیمت مواد اویلیه می شود و لذا می توان گفت در نتیجه مشکل گرانی مواد اویلیه که تولید کنندگان داخلی با آن مواجه هستند باعث شده است که تولید کنندگان به دنبال مواد اویلیه ارزان تری باشند، بنابراین گرایش بیشتر تولید کنندگان به خرید مواد اویلیه از کشورهایی که مواد اویلیه ای که نامغوب دارند افزایش یافته که در این صورت کالا ای تولید شده با کیفیت پایین تر و قیمت بالا تر نسبت به کالا ای وارداتی به بازار عرضه می شود.

امید می رود تولید کنندگان داخلی با استفاده از تکنولوژی های نوین به دنبال افزایش مزیت های رقابتی و کاهش قیمت تمام شده حرکت نمایند چرا که این امر زمینه ساز رونق تولید و افزایش تولیدات داخلی گردیده و پویایی صنایع و به دنبال آن ایجاد اشتغال و جلوگیری از خروج ارز را نیز در پی دارد.

با اینکه جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای مهم در ترانزیت دنیاست، ولی متأسفانه از ظرفیت های ترانزیتی آن به خوبی استفاده نشده و بیشتر موقع بارهای ترانزیتی از کریدورهای رقیب عبور می کنند. به نظر می رسد تحلیل مسیرهای ترانزیتی در ایران و مقایسه آن با کشورهای همچوار مانند ترکمنستان، ازبکستان و قرقستان می تواند به بهبود شرایط ترانزیت، کاهش هزینه حمل و نقل و در نهایت کاهش بهای تمام شده کالا منجر شود. اما سوال اساسی این است که چه عواملی باعث می شود قیمت تمام شده کالاهای تاین حد افزایش یابد؟





با کارآفرینان

بانوی پاوه ای؛ الگوی کارآفرینی

گفتگو با کارآفرین جوان نمونه کشور:
برای فعال نگه داشتن واحدها باید روی صادرات کار کنیم



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی کرمانشاه
شماره ۰۲ / سال یازدهم، ۱۳۹۷

بنفشه شریفی بانوی پاوه‌ای؛ الگوی کارآفرینی



به طوری که نان، دوغ، کره و ماست تازه به همراه عسل و روغن حیوانی را بر روی این سفر گذاشته است.

در این برهه زمانی که بسیاری از جوانان از بیکاری و نبود شغل رنج می‌برند، شیرزن جانبازی از دیار پاوه فعل کارآفرینی را به معنی واقعی برای قشر جویای کار صرف کرده است.

بنفشه شریفی ۵۸ ساله اهل و ساکن شهرستان پاوه است که ۵ فرزند دارد و اکنون به دامداری مشغول است.

جانباز دفاع مقدس

این شیرزن پاوه‌ای که درس استقامت و پایداری و خواستن را در دوران دفاع مقدس آموخته است در بد و جنگ تحملی عراق علیه کشورمان به هنگام پشتیبانی از رزم‌مندگان به روی مین کاشته شده از سوی دشمنان مت加وز بعشی رفته و پاشنه پای راست خود را از دست داده است. بانو شریفی جانیاز ۲۵ درصد از حدود ۳۰ سال قبل تاکنون به دامداری مشغول است و با وجود مجروحیت پای خود همواره در کوهها و صخره‌ها فعالیت می‌کند.

پرورش ۳۰۰ تا هزار راس دام

این بانوی کارآفرین پاوه‌ای در تشریح فعالیت خود گفت: همواره بین ۳۰۰ تا هزار رأس دام سیک دارم. وی ادامه داد: با پرورش و پروار بنده این دامها ضمن خرید و فروش دام به صورت زنده، محصولات لبنی آنها را نیز روانه بازار فروش می‌کنم.

این بانوی جانباز می‌گوید: ۵ خانواده را که شامل فرزندانم هستند در کنار خود مشغول فعالیت و برایشان اشتغال پایدار ایجاد کرده‌ام. بانو شریفی با بیان اینکه از شیر دام‌های خود دوغ، ماست، کره، روغن حیوانی و دیگر فراورده‌های لبنی را استحصال و روانه بازار می‌کنم گفت: از این طریق نیز درآمد خوبی کسب می‌کنم و راضی هستم.

زمینه‌های متعدد فعالیت

این شیر زن پاوه‌ای البته در دیگر زمینه‌ها هم فعالیت می‌کند. وی با بیان اینکه خداوند بزرگ در این کوه‌های سخت نعمت‌های زیادی را به ما ارزانی داشته است، می‌گوید: علاوه بر دامداری در زمینه زنبور داری، سقز چینی، جمع آوری گیاهان دارویی و خوراکی نیز فعالیت می‌کنم و از فروش این محصولات نیز درآمد خوبی به دست می‌آورم.

بانو شریفی تصریح کرد: امسال در بهار ۱۰ میلیون ریال گیاهان خوراکی از کوه‌های اطراف جمع آوری کرده و فروخته‌ام.

این بانوی جانباز که مهمان نوازیش زیاند عالم و خاص است سفره اش برای همه کسانی که از کنار کپر او عبور می‌کنند گسترشده است.



Kermanshah Chamber
Of Commerce, Industries,
Mines & Agriculture

گفتگو با جهاندار شکری؛ کارآفرین جوان نمونه کشور: برای فعال نگه داشتن واحدها باید روی صادرات کار کنیم

شما برای خوانندگان نشریه ما روش انت و شما هم از زمان فعالیت در صنایع فولاد وارد عرصه تولید شده اید لطفاً مختصررا در مورد ۱۶ سال فعالیت خود توضیح دهید:

به همه خوانندگان نشریه وزین اتفاق باز رگانی سلام عرض میکنم.

برای شما هم آرزوی موفقیت دارم بنده تقریباً از اواخر دهه ۷۰ وارد فعالیت شدم اما از سال ۱۳۸۳ اجرای پروژه جهان فولاد غرب را شروع کردیم که از ابتدا بنده در کنار پدرم بودم پس از اینکه در سال ۱۳۸۷ این واحد به بهره برداری رسید متوجه شدم که در صنعت فولاد توانایی فعالیت بیشتری هم داریم به همین دلیل پروژه واحد ماشین سازی و بعد واحد تولید میلگرد آجادار را هم شروع کردیم و بحمدالله در جریان سفر جناب آقای دکتر روحانی در کنار دیگر طرحهای استان ما واحد سیما فولاد جهان نیز افتتاح و به بهره برداری رسید. در حال حاضر هم شرکت ذوب آهن بیستون تاسیس و در حال اجرای طرح تولید آهن اسفنجی و شمش فولادی هستیم که ان شالا... بزودی فاز اول آن مورد بهره برداری قرار میگیرد.

** در مورد تولیدات مجموعه تحت مدیریت خود لطفاً توضیح بفرمایید.

شرکت جهان فولاد غرب در ظرفیت ۳۰۰ هزار تن انواع مقاطع طویل را تولید می کند و البته تیرآهن با کیفیت این واحد در خارج کشور مشتریان متعددی دارد. شرکت سیما فولاد جهان نیز می تواند ۲۵۰ هزار تن میلگرد تولید نماید که از انواع A2 و A3 و با کیفیت مطلوب به بازار عرضه میگردد. شرکت ذوب آهن بیستون نیز در آینده قادر خواهد بود که مجموعه ۳۰۰ هزار تن شمش فولادی و ۲۰۰ هزار تن آهن اسفنجی تولید نماید. روش تولید در واحد تولید آهن اسفنجی SLRN می باشد و در بخش ذوب کوره های القایی فعالند که در صنایع فولاد در سالهای اخیر بخطار کاهش هزینه تولید جا افتاده و البته در این واحد قادر خواهیم بود تقریباً بخشی از برق مصرفی خود را توسط نیروگاهی که گازهای آلاینده را تبدیل به برق می کند مستقیماً تولید کنیم و بقیه را از شبکه برق سراسری دریافت کنیم.

** وضعیت اشتغال و صادرات کالا را در مجتمع فولاد چگونه ارزیابی می کنید؟

در مجموع در ۴ واحد فعال در صنایع فولاد حدود ۸۰۰ نفر مشغول کار هستند که البته اگر بخش پیمانکاری را نیز لحاظ کنیم و امکانات اشتغال غیر مستقیم را هم بحساب آوریم میتوان به اشتغال حدود ۳۵۰۰ نفر رسید که امیدواریم در زمان بهره برداری از ذوب آهن بیستون این رقم افزایش محسوس



از ۱۴ سالگی علاقه و گرایش خود را به کار به خصوص در بخش فنی و صنعتی کتمان نمیکرد، به همین دلیل همزمان با تحصیل مبادرت به تاسیس کارگاهی نمود که با جذب چند نفر نیرو و استاد کار نیاز واحدهای تولیدی و صنعتی را با قبول سفارشات آنها ساخته و تحويل دهد.

هر چند مدت فعالیت این کارگاه طولانی نبود اما همین زمان اندک کافی بود که به توانایی خود پی ببرد و با تلفیق دانش و تجربه مشارکت در ایجاد یک و بعدها چند کارخانه را عملی نموده و پس از فراغت از تحصیل

به عنوان یکی از جوانترین مدیران موفق عرصه فعالیت خود را گسترش دهد و زمانیکه پدرسش عملیات اجرایی ساخت و راه اندازی یک واحد ۳۰۰ هزار تنی نورد گرم را آغاز نمود بعنوان یک بازوی توانا در کنارش قرار گرفت.

بعدها پس از راه اندازی جهان فولاد غرب مبادرت به ایجاد یک مؤسسه ماشین سازی با هدف ساخت ماشین آلات نورد گرم نمود و پس از آن یک واحد تولید میلگرد بنام سیما فولاد جهان را راه اندازی کرد. در حال حاضر نیز با تلاشی مضاعف در حال اجرای پروژه مجتمع ذوب آهن بیستون است که بر اساس برنامه ارائه شده و پیش بینی کارشناسانه به نظر می رسد فاز اول طرح طی چند ماه آینده به بهره برداری برسد.

گزارش فوق خلاصه ای از عملکرد و پیشنه فعالیت "جهاندار شکری" مدیر عامل شرکت ذوب آهن بیستون است که با توجه به سوابق کاری و فعالیت های اجراییش می تواند الگوی موفقی برای جوانان تحصیل کرده استان و کشورمان باشد.

مجموعه تجارب موفق این مدیر توانا ما را بر آن داشت که برای شناخت بیشتر گفتگویی با وی داشته باشیم. حاصل گفتگو را ذیلا به نظر خوانندگان ارجمند میرسانیم.

** جناب آقای شکری سابقه فعالیت خانواده

در حال حاضر
متاسفانه قوانین و
مقررات که وضع و
تصویب می شوند
مجلس شورای اسلامی و
دولت برای کل کشور
تصویرت یکنواخت
در حال حاضر می کنند
تصویب و اجرا می کنند
در حالیکه در کشور ما
توانایی و امکانات هم
مردم و همه استان ها
یکنواخت نیست و باید
به بعضی از مناطق کشور
امتیاز ویژه داد و با
بعضی ارافق ها به استان
های کم برخوردار
کمک نمود.



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی کرمانشاه
شماره ۰۲/ سال یازدهم، ۱۳۹۶/۱

داشته باشد.

آنچه که بنده از آموزه های خانواده بخصوص پدربزرگ و پدرم و عموهایم آموخته ام اینست که ما خود را مالک نمی دانیم بلکه منابع و امکاناتی با عنایت الهی به صورت امانت در اختیار ماست که باید از آن به نفع جامعه و مردم بهره برداری کنیم. مسلما در شرایط فعلی که دستورالعمل اقتصاد مقاومتی اشتغال و تولید است ما هم وظیفه داریم در این زمینه هر چه بیشتر تلاش کنیم تا جوانان و نیروهای جویای کار بتوانند برای تامین معاش و اداره زندگی خود راه شرافتمدانه ایی را در اختیار داشته باشند. در مورد صادرات کالا هم باید بگوییم که ما در حال حاضر روی بازارهای افغانستان و عراق و اقلیم کردستان و عمان و امارات کار می کنیم و بحمدالله وضعیت رضایت بخش است. مسلما در حال حاضر که بازار داخلی تقاضای زیادی ندارد بایستی برای تامین هزینه ها و فعال نگه داشتن واحد ها روی صادرات کار کرد.

* در حال حاضر با چه مشکلاتی مواجه هستید؟

تقریبا در همه جای دنیا کار و فعالیت تولیدی نیازمند تلاش و زحمت است و اصولا صنعت مشکلات خاص خود را دارد اما بنده معتقدم برای حل مشکلات باید همت و اراده قوی داشت. می خواهم بگوییم که با تقدیر زدن و بزرگ کردن مشکلات حل و رفع آنها سخت می شود. بنابراین باید برای رفع تنگناها در جست و جوی راه حل بود. مسلما همکاری دولت و تولیدکنندگان می توانند در حل مشکلات موثر باشند.

** دستگاه های اجرایی دولتی چگونه می توانند در حل مشکلات کمک موثر بنمایند؟

این کمک ها باید در حدی باشد که امکانات اجازه می دهد، البته بعضی مسائل هستند که دولت مستقیما باید در حل آنها اقدام کند و تلاش تولیدکننده ها به تنهایی به جایی نمی رسد. مثلا در کاهش نرخ سود برای تسهیلات بانکی و حل و فصل مشکلات مالیاتی از جمله مسائی هستند که جز دولت هیچ شخص یا نهادی قادر به دخالت و حل آنها نیست و البته بنده دو مورد فوق را بعنوان مشکلات اثرگذار و مهم باز گو کردم شاید مسائل دیگری هم باشد که نیاز به وقت بیشتری دارد.

** آیا موضوع دیگری را در ارتباط با تولید و صنعت قابل ذکر می دانید؟

در حال حاضر متساقنه قوانین و مقررات که وضع و تصویب می شوند مجلس شورای اسلامی و دولت برای کل کشور بصورت یکنواخت تصویب و اجرا می کنند در حالیکه در کشور ما توانایی و امکانات همه مردم و همه استان ها یکنواخت نیست و باید به بعضی از مناطق کشور امتیاز ویژه داد و با بعضی ارافق ها به استان های کم برخوردار کمک نمود. بعضی از استان های ما هنوز توانسته اند آسیب های ناشی از جنگ تحمیلی را جبران کنند و به جمع مناطق توسعه یافته برسند و این ها مسلما باید از امکانات استثنایی و خاص استفاده نمایند. تعریفه های خدمات دولتی، نرخ حق بیمه تامین اجتماعی و مالیاتی از جمله مواردی هستند که می توانند به تناسب وضعیت اقتصادی استان ها وضع شوند. دادن بودجه های عمرانی و رفاهی به استان های کم برخوردار برای یک دوره ۵ ساله می تواند تا حدودی وضعیت معیشت را بهبود بخشد. من برای مثال عرض میکنم اگر در دادن یارانه ماهانه نرخ یارانه ها را برای هر نفر در استان هایی که نرخ یکاری بالا دارند اضافه و برای استان هایی که مشکل یکاری و اشتغال ندارند کاهش دهیم مسلما در سر جمع هزینه دولت تغییر ایجاد نمی شود اما این تفاوت باعث می شود که فقر در بسیاری از نقاط کشور آسیب های اجتماعی کمتری را به جامعه تحمیل کند. به هر حال امیدوارم دولت مردان ما در تدوین مقررات با صاحب نظران و کارشناسان بخش غیر دولتی هم مشورت نمایند تا ان شالله مشکلات مردم یکی پس از دیگری حل شوند.

** آقای شکری از اینکه با حوصله به سوالات ما پاسخ فرمودید سپاسگزارم.

من هم از توجه شما به بخش تولید تشکر می کنم، امیدوارم در هر شماره از انعکاس نظرات اهل فن استفاده نمایید تا تجربه ها به دیگران هم منتقل شوند.



Kermanshah Chamber
Of Commerce, Industries,
Mines & Agriculture